

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۱۹

از صفحه ۱۲۱ الی ۱۴۰

فصلنامه خط‌مشی‌گذاری عمومی در مدیریت

سال سیزدهم / شماره چهل و پنجم / بهار ۱۴۰۱

## تأثیر خط‌مشی رفتاری مدیران بر معاملات غیرعادی با اشخاص وابسته

نازنین بشیری منش<sup>۱</sup> - زهره عارف منش<sup>۲</sup> - محمد سوری<sup>۳</sup>

### چکیده

زمینه: نقش اصلی مدیران در شرکت‌ها، تصمیم‌گیری در حوزه‌های مختلف نظیر سرمایه‌گذاری، سیاست تقسیم سود، معاملات با اشخاص وابسته می‌باشد. یکی از عوامل موثر بر رویکردهای تصمیم‌گیری مدیران، خط‌مشی رفتاری آنها می‌باشد.

هدف: هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر ویژگی‌های رفتاری مدیران بر معاملات غیرعادی با اشخاص وابسته است.

روش تحقیق: نمونه پژوهش شامل ۱۴۶ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده که بین سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ بررسی شدند. جهت سنجش معاملات با اشخاص وابسته از دو شاخص اعتبار خالص غیرعادی و فروش خالص غیرعادی استفاده شد. همچنین از سه ویژگی خودشیفتگی، بیش‌اعتمادی و کوتاه‌بینی مدیران به عنوان شاخص‌های ویژگی‌های رفتاری مدیران بهره گرفته شد. تحلیل فرضیه‌های پژوهش با استفاده از مدل‌های رگرسیون چند متغیره با داده‌های پنل و نرم افزار استتا صورت گرفته است.

یافته‌ها: نتایج نشان می‌دهد که خودشیفتگی مدیران بر اعتبار خالص غیرعادی و فروش خالص غیرعادی تأثیر معکوس دارد. ولی، بیش‌اطمینانی و کوتاه‌بینی مدیران بر اعتبار خالص غیرعادی و فروش خالص غیرعادی تأثیر مستقیم دارد و میزان معاملات غیرعادی با اشخاص وابسته را افزایش می‌دهد.

نتیجه‌گیری: معاملات با اشخاص وابسته امکان تبادل منابع، خدمات و یا تعهدات با شخصیت‌هایی نظیر سهامداران عمده، شرکتهای وابسته و واحدهای فرعی فراهم می‌سازد. لذا خط‌مشی رفتاری مدیران بر بهره‌برداری از معاملات با اشخاص وابسته بمنظور تامین مقاصد شخصی یا ارتقای سودآوری تأثیر می‌گذارد.

واژگان کلیدی: خودشیفتگی مدیران، بیش‌اطمینانی مدیران، کوتاه‌بینی مدیران، معاملات غیرعادی با اشخاص وابسته

<sup>۱</sup> استادیار گروه حسابداری، دانشکده مدیریت، اقتصاد و حسابداری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

[bashirimanesh@gmail.com](mailto:bashirimanesh@gmail.com)

<sup>۲</sup> استادیار گروه حسابداری، دانشکده مدیریت، اقتصاد و حسابداری، دانشگاه یزد، یزد، ایران.

<sup>۳</sup> کارشناسی ارشد حسابداری، دانشکده مدیریت، اقتصاد و حسابداری، دانشگاه پیام نور، تهران غرب، ایران.

## مقدمه

ملاحظه می‌تواند بر سیاست‌های مالی و عملیاتی واحد سرمایه‌پذیر تأثیر بگذارد. رابطه با شخص وابسته می‌تواند بر وضعیت مالی، عملکرد مالی و انعطاف‌پذیری مالی واحد تجاری تأثیر داشته باشد. اشخاص وابسته ممکن است معاملات انجام دهند که اشخاص غیر وابسته انجام نمی‌دهند. برای مثال، یک واحد تجاری فرعی ممکن است کالاهای خود را به قیمت یا شرایطی متفاوت با سایر مشتریان به واحد تجاری اصلی بفروشد. همچنین مبالغ معاملات بین اشخاص وابسته ممکن است با مبالغ مشابه بین اشخاص غیر وابسته یکسان نباشد. همچنین باید توجه داشت حتی اگر معامله‌ای با اشخاص وابسته صورت نگیرد، وضعیت مالی، عملکرد مالی و انعطاف‌پذیری مالی واحد تجاری ممکن است تحت تأثیر رابطه با اشخاص وابسته واقع شود. وجود رابطه به تنهایی ممکن است برای تأثیرگذاری بر معاملات واحد تجاری با سایر اشخاص کافی باشد. برای مثال، پس از این که یک واحد تجاری توسط واحد تجاری دیگر تملک شد، ممکن است به سبب رقابت بین واحد تجاری طرف معامله و یکی از واحدهای تجاری گروه، به روابط تجاری با واحد تجاری طرف معامله خود خاتمه دهد. همچنین، صرف وجود رابطه با اشخاص وابسته ممکن است سبب گردد یکی از دو طرف، به علت نفوذ قابل ملاحظه طرف دیگر، از پرداختن به امری اجتناب کند. برای مثال، ممکن است یک واحد تجاری فرعی طبق دستور واحد تجاری اصلی از انجام فعالیت‌های تحقیق و توسعه منع شود. به دلایل مذکور، آگاهی از معاملات، مانده حساب‌های فیما بین و رابطه با اشخاص وابسته ممکن است بر ارزیابی استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی از عملیات واحد تجاری شامل ارزیابی ریسک و فرصت‌های پیش‌روی واحد تجاری، تأثیر بگذارد. لذا بررسی عواملی از جمله ویژگی‌های رفتار مدیران که می‌تواند بر معاملات با اشخاص وابسته موثر باشد ضروری بنظر می‌رسد.

بحران‌های مالی شرکت‌ها و رسوایی‌های حسابداری، موجب نگرانی سرمایه‌گذاران، سایر فعالان بازار و قانون‌گذاران شده است. معاملات با اشخاص وابسته می‌تواند به عنوان یکی از ابزارهای تقلب مالی شرکت‌ها و تصاحب منابع سهامداران محسوب شود. از این رو معاملات با اشخاص وابسته، توجه پژوهشگران و افراد حرفه‌ای را به خود جلب کرده است. بر اساس بند ۶ استاندارد حسابداری شماره ۱۲، معامله با اشخاص وابسته، انتقال منابع، خدمات یا تعهدات و الزامات بین اشخاص وابسته صرف نظر از مطالبه یا عدم مطالبه بهای آن است. همچنین بر اساس همین بند استاندارد، یک شخص در صورتی وابسته به واحد تجاری است که به طور مستقیم یا غیرمستقیم از طریق یک یا چند واسطه، واحد تجاری را کنترل کند، یا توسط واحد تجاری کنترل شود، یا با آن تحت کنترل واحد قرار داشته باشد (شامل واحدهای تجاری اصلی، واحدهای تجاری فرعی و واحدهای تجاری فرعی هم‌گروه)، در واحد تجاری نفوذ قابل ملاحظه داشته باشد، یا بر واحد تجاری کنترل مشترک داشته باشد. واحد تجاری وابسته و یا مشارکت خاص آن واحد باشد، از مدیران اصلی واحد تجاری یا واحد تجاری اصلی آن باشد و یا از خویشاوند نزدیک اشخاص اشاره شده در فوق باشد و طرح بازنشستگی خاص کارکنان واحد تجاری، یا طرح بازنشستگی خاص کارکنان اشخاص وابسته به آن و همچنین واحدهای تجاری تحت کنترل اینگونه طرح‌ها باشد. بر اساس بندهای ۷ تا ۱۰ استاندارد حسابداری شماره ۱۲، رابطه با اشخاص وابسته از ویژگی‌های معمول فعالیت‌های تجاری است. برای مثال، برخی واحدهای تجاری بخشی از فعالیت‌های خود را از طریق واحدهای تجاری فرعی، مشارکت‌های خاص و واحدهای تجاری وابسته انجام می‌دهند. در این شرایط، واحد تجاری با داشتن کنترل، کنترل مشترک یا نفوذ قابل-

انواری و بنافی (۱۳۹۵: ۱۰۵)، شعری و حمیدی (۱۳۹۱: ۵۴) برخی از عوامل موثر بر معاملات با اشخاص وابسته از جمله ضعف در سیستم کنترل داخلی و یا ساختار مالکیت را مورد بررسی قرار دادند. همچنین تعدادی از محققین از جمله ری‌دج و وایت<sup>۱</sup> (۲۰۱۴: ۶۰۷) تقی‌زاده و بادآورنهندی (۱۳۹۹: ۲۱۴) تهرانی و دلشاد (۱۳۹۷: ۲۹)، امیری، خدای‌پور و کامیابی (۱۳۹۷: ۱۴۶) بعضی از پیامدهای ویژگی‌های رفتاری مدیران از جمله استراتژی شرکت، عملکرد آتی شرکت، شفافیت اطلاعات حسابداری، کارایی سرمایه‌گذاری و تامین مالی داخلی را بررسی کردند. بر اساس بررسی‌های نگارندگان تاکنون پژوهشی در ارتباط با نقش ویژگی‌های رفتاری مدیران بر معاملات غیرعادی با اشخاص وابسته در ایران انجام نشده است. لذا انجام این پژوهش علاوه بر پر کردن خلا تحقیقاتی در این حوزه و بهبود غنای ادبیات پژوهش می‌تواند برای تصمیم‌گیری قانون‌گذاران، سرمایه‌گذاران و سایر فعالان بازار مفید واقع شود.

#### مبانی نظری و پیشینه پژوهش

در چارچوب تئوری نمایندگی، مدیران به عنوان نمایندگان سهامداران که مالکان اصلی شرکت‌ها هستند، عمل می‌کنند. مدیران با این انتظار که در تصمیمات قابل درک مدیریت ارزش‌های مورد انتظار سهامداران را حداکثر کنند، تعیین می‌شوند. مبانی تئوریک بیان می‌دارند که نگرش و ادراک مدیران رده بالا بر روی نحوه تصمیم‌گیری آنها تأثیر گذار است (حمیدیان، جنت مکان و بن‌گریز، ۱۳۹۷؛ هوانگ و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۱۱). همه مدیران به حکم آنکه مدیرانند به یک شیوه عمل نمی‌کنند و مانند سایر افراد جامعه تفاوت‌های فردی، استعدادها، انگیزه‌ها، رغبت‌ها و تمایلات مخصوص به خود دارند و از ادراک، دانش و نظام ارزشی متفاوتی برخوردار هستند. چنین تفاوت‌هایی عمدتاً از تفاوت‌های ناشی از نگرش هر یک از

معاملات با اشخاص وابسته امکان تبادل منابع، خدمات و یا تعهدات با شخصیت‌هایی نظیر سهامداران عمده، شرکت‌های وابسته و واحدهای فرعی فراهم می‌سازد. انتظار می‌رود ویژگی‌های رفتاری مدیران بر بهره‌برداری از معاملات با اشخاص وابسته به منظور تامین مقاصد شخصی یا ارتقای سودآوری تأثیر گذارد. تفاوت‌های مدیران از لحاظ شخصیت و طرز تفکر، سبب ادراک متفاوت آنها در مورد عملکرد شرکت می‌شود و این امر باعث ایجاد ویژگی‌های ادراکی مدیران می‌شود (پوسن، لبلین و چن<sup>۱</sup>، ۲۰۱۸: ۱۱۱۶). بر اساس تئوری نمایندگی، ویژگی‌های ادراکی مدیران عبارت است از مجموع خطاهای احتمالی که منشا آن ویژگی‌های متفاوت شخصیتی مدیران است که سبب می‌شود این افراد قضاوت‌های متفاوتی در ارتباط با آینده بازار سرمایه، رفتار سهامداران و... داشته باشند. ویژگی‌هایی نظیر خودشیفتگی، اعتماد بیش از حد به انتظارات و پیش‌بینی‌های خود و تمرکز بر اهداف کوتاه‌مدت و کوتاه بینی مدیران از جمله ویژگی‌های رفتاری مدیران است که بر تصمیمات سرمایه‌گذاری و سطح معاملات با اشخاص وابسته تأثیر می‌گذارد. از این رو با توجه به مطالب ارایه شده، هدف این پژوهش پاسخ به این سوال است که آیا ویژگی‌های رفتاری مدیران بر معاملات با اشخاص وابسته تأثیر دارد؟ عبارت دیگر در پژوهش حاضر تأثیر ویژگی‌های رفتاری مدیران بر معاملات غیرعادی با اشخاص وابسته مورد بررسی قرار می‌گیرد. پژوهش‌های پیشین از جمله هندراتاما و باروکاه<sup>۲</sup> (۲۰۲۰: ۷)، حبیب، محمدی و ژیانگ<sup>۳</sup> (۲۰۱۷: ۴۹)، می‌یانگ، مین‌جانگ و هو<sup>۴</sup> (۲۰۱۶: ۲۲۸) حبیب، ژیانگ و ژو<sup>۵</sup> (۲۰۱۵: ۶۳) و وقفی و همکاران (۱۳۹۷: ۷۶)، برخی از پیامدهای معاملات با اشخاص وابسته از جمله ارزش شرکت، مدیریت سود و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی را بررسی کردند. همچنین عده‌ای از پژوهشگران از جمله فرح میتا و اوتاما<sup>۶</sup> (۲۰۱۵: ۵)، چن، لین و یانگ<sup>۷</sup> (۲۰۱۵: ۸۴۹)، واعظ،

افراد سرچشمه می‌گیرد (زادپرور، ۱۳۹۶: ۳۵). مطالعات زیادی در حوزه روان‌شناسی تصمیم‌گیری و اقتصاد رفتاری صورت گرفته است که نشان می‌دهد مدیران در همه موارد لزوماً تصمیمات منطقی نمی‌گیرند و تحت تأثیر سوگیری‌های تصمیم‌گیری هستند. در این پژوهش سوگیری‌های کوتاه‌بینی، بیش-اطمینانی و خودشیفتگی مدیران و مورد بررسی قرار می‌گیرند.

کوتاه‌بینی، شکلی از سوگیری یا پیش‌داوری پایدار است که در رابطه با دید افراد و سازمان‌ها به دنیا ثابت شده است. کوتاه‌بینی مدیریت عبارت است از تمایل مدیران به سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت و تغییر مسیر منابع از پروژه‌های با ارزش‌آفرینی در بلندمدت به پروژه‌های کوتاه‌مدت افزایش یافته که معمولاً این افزایش ارزش، موقتی است (مرادی و باقری، ۱۳۹۳: ۲۳۳). سرینویسان و رامانی<sup>۱۱</sup> (۲۰۱۹: ۱۱۲) به نقل از آرتور لویت، رئیس هیئت بورس اوراق بهادار ایالات متحده، بیان کردند که مدیران در مدیریت سود واقعی شرکت می‌کنند و شیوه‌های کسب‌وکار خود را تغییر می‌دهند تا با نتایج کوتاه‌مدت بر هزینه عملکرد بلندمدت تأکید کنند. از نشانه‌های کوتاه‌بینی می‌توان از کاهش هزینه‌های بازاریابی و اعطای نسیه کم به مشتریان برای بهبود نتایج کوتاه‌مدت نام برد. فعالیت‌های کوتاه‌بینانه، نتایج موقت مطلوبی دارند و پیامدهای منفی آن در بلندمدت نمایان می‌شود؛ زیرا بازارهای سرمایه، درک صحیحی از پیامدهای کوتاه‌بینی در زمان وقوع ندارند (برندک و همکاران، ۱۳۹۸: ۶۸). بیش اعتمادی به‌عنوان یکی از تورش‌های رفتاری بوده و از خوش‌بینی افراد نسبت به دانش، توانایی‌ها و پیش‌بینی‌هایشان نشأت می‌گیرد. روان‌شناسان معتقدند بیش‌اطمینانی موجب می‌شود افراد از به دست آوردن دانش غافل شوند، خطرهای خود را کم‌ارزش و توانایی‌شان برای کنترل حوادث را بیش از حد ارزیابی کنند و گزینه‌های غیرمتعارف را برگزینند؛ در نتیجه،

ارزش شرکت به‌علت تصمیم‌های ایشان کاهش یابد. مدیران بیش‌اطمینان اعتقاد دارند بازار، شرکت آنها را کمتر از واقع ارزش‌گذاری می‌کند و موجب می‌شود تأمین مالی خارجی پرهزینه شود؛ از این‌رو، در صورتی‌که شرکت، منابع داخلی داشته باشد، ممکن است مدیران بیش‌اطمینان، تمایل بیشتری به بیش‌سرمایه‌گذاری (پذیرش پروژه‌های با خالص ارزش فعلی منفی)، ادغام و اکتساب کاهنده ارزش (بازده عملیاتی منفی) از خود نشان دهند؛ اما در صورتی‌که تأمین مالی پروژه‌ها مستلزم منابع خارجی باشد، ممکن است که سرمایه‌گذاری کم (رد پروژه‌ها با خالص ارزش فعلی مثبت)، ادغام و اکتسابات افزایش‌دهنده ارزش (بازده عملیاتی مثبت) انجام شود (احمد و دوئلمن<sup>۱۲</sup>؛ ۲۰۱۳: ۵).

مدیران خودشیفته با ویژگی‌های شخصیتی مانند خودخواهی، بهره‌برداری از دیگران، سلطه‌جویی و خودبرتربینی، به گزارشگری نادرست، تمایل بیشتری نشان می‌دهند. افراد خودشیفته، احساسات بیش از اندازه خودخواهانه دارند که موجب تأثیر منفی در توانایی و دستاوردهای آنها می‌شود. چنین رهبرانی فقط به اطلاعات مدنظرشان گوش می‌دهند، به‌راحتی از دیگران یاد نمی‌گیرند و اغلب، سخنرانی‌کردن را ترجیح می‌دهند. به‌علت نداشتن همدلی، چنین رهبرانی به‌ندرت به دیگران اعتماد می‌کنند و ارزش و اعتباری برای برنامه‌های آموزشی و یا داشتن مشاور برای بهبود خود به‌عنوان رهبر قائل نیستند؛ از این‌رو، چنین مدیرانی از پذیرش سخنان دیگران مبنی بر بحرانی‌شدن وضعیت شرکت امتناع می‌کنند و اینگونه شرکت در سرمایه‌گذاری‌هایی با ارزش فعلی منفی سرمایه‌گذاری می‌کند و علاوه بر اینکه سهامداران خود را از دست می‌دهد، اعتبار آن نیز کاهش می‌یابد و ناتوانی در پرداخت بدهی‌ها، آن را به درماندگی مالی می‌کشاند (اوریلی و همکاران، ۲۰۱۴: ۲۲۳). نتایج مطالعات قبلی از جمله هیللی و والن<sup>۱۲</sup> (۱۹۹۹: ۳۶۹) حاکی از آن

است که مدیران با سوگیری‌های رفتاری خود می‌توانند سودهای گزارش شده خود را از طریق ساماندهی معاملات با اشخاص وابسته مدیریت نمایند.

معاملات با اشخاص وابسته می‌تواند فرصتی برای سوءاستفاده توسط مدیران اجرایی شرکت، انجام معاملات شخصی توسط مدیران و تضعیف مالکیت منافع اقلیت شود. همچنین، استدلالی دیگر در این زمینه مطرح است که به موجب آن، معاملات با اشخاص وابسته می‌تواند برای تأمین نیازهای اقتصادی منطقی باشد (کوهلبک و مایهو<sup>۱۳</sup>، ۲۰۱۴: ۸) در تئوری‌های موجود دو نگرش نسبت به معاملات با اشخاص وابسته وجود دارد که عبارتند از نگرش رفتار فرصت‌طلبانه (تئوری تضاد منافع) و نگرش رفتار کارا (فرضیه معاملات کارا). بر اساس فرضیه معاملات کارا معاملات با اشخاص وابسته می‌تواند در شرکت‌های گروه به عنوان یک راه بهینه‌سازی تخصیص منابع داخلی، کاهش هزینه معاملات و بهبود بازده دارایی‌ها استفاده شود. در طرف دیگر، این معاملات توسط مدیران یا سایر سهامداران به‌طور فرصت‌طلبانه استفاده می‌شود که می‌تواند نتایج عملیات را گمراه کند یا اثر نامساعدی بر ثروت سهامداران اقلیت بگذارد. وجود یا عدم وجود هر یک از این رفتارها تابعی از راهبری شرکتی، قوانین حفاظت از سرمایه‌گذاران و به‌طور کلی فضای کسب و کار کشورها می‌باشد. در اقتصادهای نوظهور، که انتصاب و ابقای مدیران، با نفوذ سهام‌داران عمده انجام می‌گیرد، تصاحب منابع شرکت‌ها رواج دارد و بین سهامداران عمده و خرد، عدم تقارن اطلاعاتی و تضاد منافع به وجود می‌آید. فرصت‌طلبانه بودن معاملات با اشخاص وابسته، یکی از چالش‌های راهبری شرکتی، بخصوص در کشورهای آسیایی است. بنابراین، نظارت مؤثر بر این معاملات و محدودسازی آنها، طلایه‌دار اصلاحات راهبری شرکتی در آسیا است. یکی از موضوعات مهم مربوط به

معاملات با اشخاص وابسته، محافظت از سرمایه‌گذاران خرد است. وجود حفاظت‌های قانونی از سرمایه‌گذاران، تا ۷۳ درصد تصمیمات سرمایه‌گذاری آنها را توضیح می‌دهد، اما ویژگی‌های شرکت، توضیح‌دهنده تنها ۴ تا ۲۲ درصد تصمیمات سرمایه‌گذاران است. یعنی حفاظت از سهام‌داران خرد، با فعالیت‌های بازار سرمایه ارتباط دارد (سازمان همکاری‌ها و توسعه اقتصادی، ۲۰۰۹).

با توجه به پیامدهای معاملات با اشخاص وابسته در ماده ۱۱ فصل دوم دستورالعمل کنترل‌های داخلی ایران افشای مناسب و کامل اطلاعات اشخاص وابسته طبق استانداردهای حسابداری و ضوابط لازم الاجرا اجباری شده است. بنابراین افشای معاملات با اشخاص وابسته طبق استانداردهای حسابداری ایران می‌تواند اطلاعاتی دربارهٔ انگیزه‌های معاملات با اشخاص وابسته را به دنبال خود داشته باشد. روش‌های تشخیص معاملات با اشخاص وابسته توسط حساب‌رسان در جدول ۱ آورده شده است.

بعد از تشخیص کلاسیک «کوتاه بینی بازاریابی» در سال ۱۹۶۰ توسط تئودور لوی<sup>۴</sup>، توجه بیشتری به مشکل رفتار کوتاه بینانه مدیران در عرصه علمی و شرکت‌های بزرگ شد. در دهه ۱۹۶۰، محققان نگران کوتاه بینی در مورد مجموعه محصولات شرکت بودند. بعدها در دهه ۱۹۸۰، تمرکز بر کوتاه بینی روابط مستقیم با مشتریان معطوف شد. در حال حاضر به کوتاه بینی مدیران اجرایی و تأثیر آن بر قابلیت‌ها و سرانجام سازمان توجه می‌شود.

ریدج و وایت<sup>۱۵</sup> (۲۰۱۴) به بررسی تأثیر کوتاه بینی زمانی و کوتاه بینی فاصله‌ای بر روی استراتژی شرکت پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهند که کوتاه بینی زمانی و فاصله‌ای بر اتخاذ استراتژی مناسب تأثیرگذار است، اما اثرات کوتاه بینی زمانی و کوتاه بینی فاصله‌ای بر استراتژی شرکت متفاوت خواهد بود.

## جدول ۱: روش‌های تشخیص معاملات با اشخاص وابسته

روش کلی	چگونگی ارتباط با موضوع با رسیدگی معاملات با اشخاص وابسته
بررسی کاربرگ‌های سال‌های گذشته	تشخیص اسامی وابسته مشخص شده
بررسی صورت جلسه‌های هیات مدیره و هیات اجرایی یا عامل	کسب اطلاعات درباره معاملات اجرایی یا عامل مهمی که تصویب یا درباره آنها مذاکره شده است.
بررسی تاییدیه‌های مانده‌های متقابل	تعیین اینکه این مانده‌ها در دفاتر اشخاص وابسته وجود دارند یا قبلاً وجود داشته‌اند
بررسی صورتحساب‌های موسسات مشاوره حقوقی در ارتباط با استفاده از خدمات آنها در موارد خاص یا به صورت مداوم	تشخیص قرآین وجود اشخاص وابسته یا معاملات با آنها
بررسی تاییدیه‌های وام‌های دریافتی و پرداختی	تشخیص وجود ضمانتنامه و ماهیت روابط با ضمانت کننده
بررسی معاملات سرمایه‌گذاری با اهمیت	تشخیص قرآین به وجود آمدن شخص وابسته در اثر سرمایه‌گذاری‌ها
بررسی اسناد حسابداری به منظور اطلاع از معاملات عمده، غیرعادی و غیر مستمر یا مانده‌ها، به ویژه در (یا نزدیک به) پایان دوره گزارشگری	بررسی وجود معاملات با اشخاص وابسته
کسب اطلاع از حسابرس قبلی، حسابرسان اصلی یا سایر حسابرسان در ارتباط با اشخاص وابسته	کسب اطلاع در ارتباط با اشخاص وابسته یا معاملات با آنها

منبع: فرقان‌دوست حقیقی (۱۳۷۹)

چن و همکاران<sup>۱۶</sup> (۲۰۱۵) تأثیر وجود سرمایه‌گذاران نهادی در بروز پدیده کوتاه بینی مدیران را در بازارهای نوظهور (تایوان) بررسی کردند. نتایج نشان می‌دهد که مدیران در بازارهای نوظهور، به منظور دستیابی به اهداف کوتاه مدت عایدات، هزینه‌های تحقیق و توسعه را کاهش می‌دهند. سرمایه‌گذاران نهادی داخل سازمانی، کوتاه بینی مدیریت را تشدید می‌کنند. ولی سرمایه‌گذاران نهادی خارج سازمانی مانند یک سپر، از کوتاه بینی مدیریت و کاهش هزینه‌های تحقیق و توسعه جلوگیری می‌کنند.

فرح میتا و اوتاما<sup>۱۷</sup> (۲۰۱۵) به بررسی تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر روی رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود پرداختند. در این پژوهش داده‌های مربوط به دوره زمانی ۲۰۰۵-۲۰۰۷ را مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند. نتایج نشان می‌دهد که مدیریت سود از آنکه تحت تأثیر سلب مالکیت و سازوکارهای حاکمیت شرکتی باشد، متأثر از معاملات با اشخاص وابسته است و ارتباطی با اندازه و

ارزش شرکت ندارد. انتظار می‌رود شرکت‌های درگیر در معاملات با اشخاص وابسته پیش از آنکه منجر به سلب مالکیت با سازوکارهای حاکمیت شرکتی ضعیف شوند، تمایل به افزایش مدیریت سود داشته باشند.

حیب و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی به بررسی رابطه معاملات با اشخاص وابسته و حق‌الزحمه حسابرسی در شرکت‌های چینی طی سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۳ پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که معاملات با اشخاص وابسته رابطه مثبت و معناداری با حق‌الزحمه حسابرسی دارد. همچنین نتایج نشان داد که رقابت بازار محصول موجب تعدیل این رابطه می‌شود. می‌یانگ و همکاران<sup>۱۸</sup> (۲۰۱۶) ارتباط بین معاملات با اشخاص وابسته و قابلیت مقایسه صورتهای مالی را در شرکت‌های کره جنوبی مورد بررسی قرار دادند. آنان پس از بررسی‌های خود به این نتایج دست یافتند که ۱- بین مقدار کلی معاملات با اشخاص وابسته و قابلیت مقایسه صورتهای مالی رابطه منفی و معناداری وجود دارد ۲- بین نوسانات معاملات با

میزان معاملات با اشخاص وابسته و متغیرهای سطح تمرکز مالکیت، نسبت مدیران غیرموظف و اهرم مالی رابطه معنادار مورد انتظار وجود دارد. یافته‌ها نشان می‌دهد فرضیه وجود رفتار فرصت طلبانه در معاملات با اشخاص وابسته رد نمی‌شود و نشانه‌هایی از فرصت طلبانه بودن این معاملات در محیط کسب و کار ایران قابل مشاهده است.

واعظ و همکاران (۱۳۹۵) به بررسی تأثیر ساختار مالکیت بر رابطه‌ی بین معاملات با اشخاص وابسته و کارایی سرمایه‌گذاری پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که بین معاملات با اشخاص وابسته و کارایی سرمایه‌گذاری رابطه منفی و معناداری وجود دارد، همچنین نتایج حاکی از آن است که ساختار مالکیت (مالکیت مدیریتی و مالکیت نهادی) بر رابطه‌ی بین معاملات با اشخاص وابسته و کارایی سرمایه‌گذاری تأثیر مثبت و معناداری دارد. نتیجه کلی پژوهش نشان می‌دهد که معاملات با اشخاص وابسته، فرصت طلبانه بوده و با بکارگیری مکانیزم‌های نظارتی مناسب یا بکارگیری چنین مکانیزم‌هایی حداقل در مورد معاملات با اشخاص وابسته می‌توان تضاد منافع و رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران را به حداقل رساند.

تهرانی و دلشاد (۱۳۹۷) به بررسی تاثیر کوتاه‌بینی بر عملکرد مالی آتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. در این پژوهش معیار سنجش عملکرد نرخ بازده دارایی‌ها در سال بعد بر اساس بازده بازار و اندازه شرکت می‌باشد. همچنین شرکت‌هایی که مدیریت کوتاه‌بین داشته‌اند، با داشتن عملکرد مثبت مالی و افزایش بازده دارایی‌ها، هزینه‌های بازاریابی و تحقیق و توسعه آنها کاهش یافته است. نتایج پژوهش تأثیر مثبت و معنادار کوتاه‌بینی مدیران بر عملکرد مالی آتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را نشان می‌دهد. به بیان دیگر در

اشخاص وابسته و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی رابطه منفی و معناداری وجود دارد ۳- بین معاملات با اشخاص وابسته غیر نقدی و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی رابطه منفی و معناداری وجود دارد.

حبیب و همکاران<sup>۱۹</sup> (۲۰۱۷) به بررسی ارتباط شرکتهای با ارتباطات سیاسی و معاملات با اشخاص وابسته در اندونزی پرداختند آنها بررسی کردند که آیا پدیده تونل زنی مدیران را مجبور می‌کند تا سود را مدیریت کنند؟ مطالعه آنها در مورد نقش ارتباطات سیاسی و معاملات شخصی به این نتیجه منتهی شد که این دو متغیر با هم ارتباط دارند. با استفاده از داده‌های اندونزی، آنها دریافتند که از لحاظ سیاسی شرکت‌های متصل به استفاده از وام برای تونل زنی استفاده می‌کنند و این اثر بیشتر مشخص می‌شود. برای شرکت‌های با ارتباطات دولتی که از لحاظ سیاسی مرتبط شده اند، دریافتند که شرکت‌ها سود را مدیریت می‌کنند تا فعالیت‌های تونل زنی خود را پنهان کنند. نتیجه نهایی اینکه معاملات با اشخاص وابسته با یک کانال خاص که از طریق شرکت‌های متصل به آن کسب شده است با ارتباطات سیاسی رابطه دارد.

هندراتاما و باروکاه<sup>۲۰</sup> (۲۰۲۰) در پژوهشی تأثیر معاملات با اشخاص وابسته بر ارزش شرکت با تاکید بر نقش گزارش مسئولیت اجتماعی شرکت را بررسی کردند. بر اساس مشاهدات از ۲۷۴ شرکت در اندونزی، نتایج نشان می‌دهد که معاملات با اشخاص وابسته با ارزش شرکت رابطه منفی دارند. بعلاوه، در صورت ارائه گزارشات مسئولیت اجتماعی بهتر، رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و ارزش شرکت مثبت تر می‌شود.

در بین تحقیقات داخلی اولین تحقیق مرتبط با تحقیق حاضر مربوط به شعری و حمیدی (۱۳۹۱) است که انگیزه‌های معاملات با اشخاص وابسته با استفاده از مدل مسکاریلو (۲۰۱۰ : ۱۳۲) را مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه دست یافتند که بین

صورت وجود کوتاه بینی مدیران، عملکرد مالی آتی شرکت‌های نمونه بهبود یافته است.

امیری و همکاران (۱۳۹۷) به بررسی اثر رفتارهای کوتاه بینانه و خوشبینانه مدیریت بر شفافیت اطلاعات مالی شرکتها پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که رفتار خوش بینی مدیران باعث کاهش شفافیت اطلاعات مالی شرکتها می‌شود. این یافته نشان می‌دهد که مدیران بر اثر تعصبات، بیش از حد خوشبین هستند و به دلیل مغرضانه بودن، به شفافیت سازی اطلاعات مالی نمی‌پردازند. نتایج دیگر پژوهش نشان داد که رفتار کوتاه بینانه مدیران بر شفافیت اطلاعات مالی شرکتها اثر منفی می‌گذارد.

وقفی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته با کیفیت افشاء، مدیریت سود و سودآوری پرداختند. یافته‌ها نشان می‌دهد، که بین معاملات با اشخاص وابسته با رتبه افشاء رابطه منفی و با مدیریت سود رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. اما نتایج تحقیق وجود ارتباط معنادار بین معامله با اشخاص وابسته و سودآوری را تأیید نکرده است.

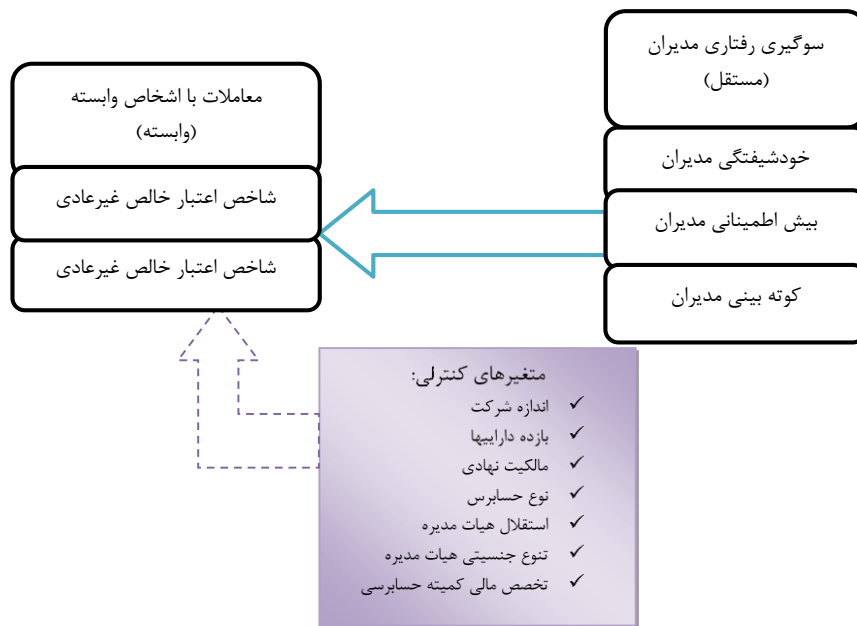
مسکنی و عبدلی (۱۳۹۸) در پژوهشی به بررسی انگیزه رقابتی مدیرعامل بر ارتباط سوگیری‌های رفتاری مدیران با ضعف سیستم کنترل داخلی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد انگیزه‌های رقابتی مدیرعامل تاثیر مثبت سوگیری‌های رفتاری و ادراکی مدیرعامل بر ضعف سیستم کنترل داخلی را تعدیل می‌کند و به ارتقای سطح کیفیت مکانیزمهای کنترل داخلی شرکتها می‌افزاید.

تقی‌زاده و بادآورنهدی (۱۳۹۹) به بررسی ارتباط بین بیش‌اطمینانی مدیریت، تأمین مالی داخلی و کارایی

سرمایه‌گذاری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج نشان داد که بین بیش‌اطمینانی مدیریت و تأمین مالی داخلی، ارتباط مثبت وجود دارد. همچنین بین بیش‌اطمینانی مدیریت با سطح سرمایه‌گذاری و سرمایه‌گذاری بیشتر از حد، ارتباط مثبت و با سرمایه‌گذاری کمتر از حد، ارتباط منفی وجود دارد. از سوی دیگر، نتایج نشان داد که بین تأمین مالی داخلی با سطح سرمایه‌گذاری و سرمایه‌گذاری بیشتر از حد ارتباط مثبت و با سرمایه‌گذاری کمتر از حد ارتباط منفی وجود دارد. در نهایت یافته‌ها حاکی از آن بود که تأمین مالی داخلی بر رابطه بین بیش‌اطمینانی مدیریت و سطح سرمایه‌گذاری تأثیر مثبت دارد و تأثیر تعاملی تأمین مالی داخلی بر رابطه بین بیش‌اطمینانی مدیریت و سرمایه‌گذاری بیشتر از حد مثبت و معنادار است، در حالیکه این رابطه برای شرکت‌های کم سرمایه‌گذار معنادار نیست.

بررسی پیشینه تحقیقات خارجی و داخلی نشان می‌دهد که برخی از پیامدهای معاملات با اشخاص وابسته از جمله ارزش شرکت، مدیریت سود، قابلیت مقایسه صورت‌های و برخی از عوامل موثر بر معاملات با اشخاص وابسته از جمله ضعف در سیستم کنترل داخلی و یا ساختار مالکیت و بعضی از پیامدهای سوگیری رفتاری مدیران از جمله استراتژی شرکت، عملکرد آتی شرکت، شفافیت اطلاعات حسابداری و تأمین مالی داخلی و کارایی سرمایه‌گذاری توسط محققین بررسی شده اند اما تاکنون پژوهشی در ارتباط با نقش سوگیری رفتاری مدیران بر معاملات غیرعادی با اشخاص وابسته در ایران انجام نشده است. بنابراین با توجه به متغیرهای تحقیق و ابعاد آنها مدل مفهومی تحقیق در شکل شماره ۱ ارائه می‌گردد.





شکل ۱: مدل مفهومی تحقیق

### فرضیه‌های پژوهش

با توجه به اینکه در این پژوهش سوگیری رفتاری مدیران با سه شاخص، خودشیفتگی، بیش‌اطمینانی مدیران و کوتاه بینی مدیران اندازه گیری می‌شود، در تبیین تاثیر سوگیری رفتاری مدیران بر معاملات غیر عادی با اشخاص وابسته به تحلیل این سه نوع سوگیری بر معاملات با اشخاص وابسته پرداخته می‌شود و فرضیه‌های پژوهش تبیین می‌شود.

مدیران خودشیفته در مجموعه‌ای از ابعاد هم چون هوش، خلاقیت، شایستگی و قدرت رهبری امتیاز بالایی به خود می‌دهند. آنان نیاز شدیدی به تصدیق دیگران از برتری خود دارند و اگر چه خودشان خود را تحسین می‌کنند اما مشتاق تحسین دیگران به اشکال گوناگون از جمله تصدیق، کف زدن و ستایش هستند. شرکت‌هایی که از مدیران خودشیفته برخوردار هستند، شهرت‌طلبی و برتری‌بینی این دسته از مدیران، می‌تواند بر تمایل به فعالیت و معاملات غیر عادی با اشخاص وابسته موثر باشد. بنابراین فرضیه اول این پژوهش به شرح زیر تدوین می‌شود:

فرضیه ۱: خودشیفتگی مدیران بر اعتبار خالص غیرعادی با اشخاص وابسته تاثیر دارد.  
فرضیه ۲: خودشیفتگی مدیران بر فروش خالص غیرعادی با اشخاص وابسته تاثیر دارد.  
وجود خصیصه بیش‌اعتمادی در مدیران موجب تخمین بیش از حد دانش و توانایی آنها در ایجاد بازده و جریان‌های نقدی آتی و نادیده گرفتن مهارت رقبا می‌شود. این مدیران هنگام تصمیم‌گیری و قضاوت، به اطلاعات آینده که با باورهای موجودشان سازگار است، وزن بیشتری می‌دهند. آنها به اخباری که از دیدگاه خودشان درست می‌پندارند، بدون توجه به موثق بودن منبع، اطمینان می‌کنند و بر اساس آن تصمیم‌گیری می‌کنند. معمولاً این مدیران از فرصت‌های لازم برای به دست آوردن دانش بیشتر غافل شده و ریسک و خطرهای خود را کم‌ارزش و توانایی‌شان برای کنترل شرایط محیطی و درون سازمانی بیش از حد ارزیابی کنند و گزینه‌های غیرمعارف را برگزینند. این مساله منجر می‌شود تا مدیران برای مطلوب جلوه دادن شرکت دنبال راهکار باشند و یکی از راهکارها،

تاریخی برای این تحقیق استفاده می‌شود لذا از تحقیقات پس رویدادی به شمار می‌رود همچنین از آنجا که این نوشتار به توصیف آنچه که هست یا توصیف شرایط موجود بدون دخل و تصرف (و نه به الزام و توصیه خاص) و با توجه به آن که قضاوت‌های ارزشی در این تحقیق کم رنگ است، پژوهش حاضر در زمره تحقیقات توصیفی حسابداری به شمار می‌رود. از جهت نوع طرح تحقیق، تحقیق حاضر از نوع تحقیقات پس رویدادی است. در این نوع تحقیق‌ها، هدف بررسی روابط موجود بین متغیرها است و داده‌ها از محیطی که به گونه‌ای طبیعی وجود داشته‌اند و یا از وقایع گذشته که بدون دخالت مستقیم پژوهش‌گر رخ داده است، جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل می‌شود. روش بررسی داده‌ها به صورت مقطعی و سال به سال (داده‌های تابلویی) است.

برای انتخاب جامعه آماری به شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رجوع شده است، چرا که؛ اطلاعات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران توسط حسابداران رسمی، حسابرسی می‌شود، لذا نسبت به اطلاعات سایر شرکت‌ها از قابلیت اتکاء بالاتری برخوردار است. دسترسی به این اطلاعات نسبت به سایر شرکت‌ها راحت‌تر است. به منظور انجام تحقیق، در هر سال از سالهای ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸، اطلاعات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار، که دارای ویژگی‌ها به شرح جدول ۲ می‌باشند جمع‌آوری می‌گردد.

با توجه به رعایت شرایط یاد شده بالا تعداد ۱۴۶ شرکت به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند.

در این پژوهش معاملات با اشخاص وابسته به عنوان متغیر وابسته است. به منظور اندازه‌گیری این متغیر دو شاخص اعتبار خالص غیرعادی (ABN.CREDIT) و فروش خالص غیرعادی (ABN.SALES) استفاده شده است. معاملات با اشخاص وابسته می‌تواند ناشی از عرف معمول کسب و کار باشد.

معاملات با اشخاص وابسته می‌باشد. بنابراین فرضیه دوم پژوهش به شرح زیر تدوین می‌شود:

فرضیه ۳: بیش اطمینانی مدیران بر اعتبار خالص غیرعادی با اشخاص وابسته تاثیر دارد.

فرضیه ۴: بیش اطمینانی مدیران بر فروش خالص غیرعادی با اشخاص وابسته تاثیر دارد.

شناخت‌های مدیریت در تعیین و شناسایی تصمیم‌ها و اقدام‌های مدیریتی بسیار حیاتی است اگر مدیران دیدگاه کوتاه بینانه داشته باشند این دیدگاه آنها با جهت‌گیری بازار که بر بلندمدت تمرکز می‌کند، در تضاد است. شرکت‌هایی که مدیران آنها اقدامات خودخواهانه و ناشی از کوتاه‌بینی دارند فعالیت‌هایی را مدنظر قرار می‌دهند که شرکت در کوتاه مدت خوب به نظر برسد، اما برای سلامت شرکت در بلندمدت سودمند نیست. کوتاه‌بینی مدیریت می‌تواند اشکال مختلفی داشته و با توجه به شرایط و موقعیت‌های مختلف ایجاد شود. این پدیده می‌تواند در یک سرمایه‌گذاری کمتر از واقع در دارایی‌های بلندمدت، ارائه سرمایه‌گذاری بیشتر از واقع در دارایی کوتاه مدت و یا انتخاب پروژه‌های خاص جهت انطباق با وضعیت مطلوب بازار تظاهر یابد. مدیران کوتاه‌بین با در نظر گرفتن منافع شخصی خود، می‌کوشند تصویر مطلوبی از عملکرد شرکت در کوتاه‌مدت به سهامداران ارائه دهند. بنابراین اقدام به کسب سود از طریق فروش غیرعادی با اشخاص وابسته می‌کنند. لذا فرضیه سوم به شرح زیر تدوین می‌شود:

فرضیه ۵: کوتاه‌بینی مدیران بر اعتبار خالص غیرعادی با اشخاص وابسته تاثیر دارد.

فرضیه ۶: کوتاه‌بینی مدیران بر فروش خالص غیرعادی با اشخاص وابسته تاثیر دارد.

### روش پژوهش

این تحقیق از لحاظ روش همبستگی و از لحاظ هدف کاربردی می‌باشد و از این جهت که از اطلاعات

جدول ۲: انتخاب نمونه آماری با اعمال محدودیت‌ها و شرایط جامعه

تعداد تعداد	محدودیت‌ها و شرایط
۵۴۳	کل شرکت‌های موجود در پایان سال ۱۳۹۸
۱۲۳	حذف شرکت‌های غیر از دوره منتهی به تاریخ ۲۹ اسفند ماه و خارج شده از بورس، شرکت‌هایی که دوره مالی خود را تغییر داده‌اند
۵۶	حذف شرکت‌هایی بعد از بازه زمانی پژوهش وارد بورس شده‌اند
۱۲۱	حذف شرکت‌های هلدینگ، بانک‌ها و سرمایه‌گذاری <sup>۲۱</sup>
۲۳	حذف شرکت‌هایی اطلاعات مالی آنها قابل دسترس نیست.
۷۴	حذف شرکت‌های داری وقفه عملیاتی بیش از سه ماه
۱۴۶	تعداد شرکت‌های موجود در جامعه آماری بعد از اعمال محدودیت‌ها و شرایط

اشخاص وابسته می‌باشد (مهربان پور، جندقی قومی و محمدی، ۱۳۹۶: ۱۵۱).  
متغیر مستقل این پژوهش سوگیری رفتاری مدیران است. سه سوگیری رفتاری به شرح زیر مورد بررسی و اندازه‌گیری می‌شود:

#### (۱) کوتاه بینی مدیران (SHNO)

انتظار می‌رود زمانی که شرکت‌ها به موفقیت مالی چشمگیری دست می‌یابند، فرصت و منابع لازم را برای سرمایه‌گذاری در دارایی‌های بلند مدت را در آینده داشته باشند بنابراین شرکت‌هایی که بطور همزمان بازده دارایی بیش از حد مورد انتظار و هزینه بازاریابی و تحقیق و توسعه کمتر از حد مورد انتظار را گزارش می‌کنند، به احتمال زیاد درگیر مدیریت کوتاه بین هستند. برای شناسایی و تعیین شرکت‌های کوتاه بین ابتدا لازم است، سطح مورد انتظار بازده دارایی هزینه بازاریابی و هزینه تحقیق و توسعه را برای هر شرکت در هر دوره زمانی برآورد کرد. در این راستا پیروی از اندرسون و سیائو<sup>۲۲</sup> (۱۹۸۲: ۵۲)، از روابط زیر استفاده می‌شود.

$$ROA_{it} = \beta_0 + \beta_1 ROA_{it-1} + \varepsilon_{it}$$

$$MKTG_{it} = \beta_0 + \beta_1 MKTG_{it-1} + \varepsilon_{it}$$

$$R\&D_{it} = \beta_0 + \beta_1 R\&D_{it-1} + \varepsilon_{it}$$

که در آن:

$ROA_{it}$ : نرخ بازده دارایی‌های سال جاری،  $ROA_{it-1}$ :  
نرخ بازده دارایی‌های سال قبل،  $MKTG_{it}$ : هزینه‌های

بر این اساس به منظور محاسبه معاملات غیرعادی اشخاص وابسته، باید جز معمول این رویدادها کنار گذاشته شود. اندازه شرکت، نسبت بدهی، فرصت‌های رشد و صنعت، مهم‌ترین عواملی هستند که معاملات عادی اشخاص وابسته را تحت تاثیر قرار می‌دهند. از این‌رو این موارد به عنوان متغیرکنترلی بکار گرفته می‌شوند. باقیمانده مدل رگرسیونی حاصل از این متغیرها، بیانگر معاملات با اشخاص وابسته خواهد بود. بعلاوه به منظور محاسبه اعتبار غیرعادی اشخاص وابسته، ابتدا نسبت خالص اعتبار اشخاص وابسته (وام به اشخاص وابسته پس از کسر استقراض از اشخاص وابسته) بر اندازه (لگاریتم طبیعی کل دارایی‌ها)، اهرم (نسبت کل بدهی‌ها بر کل دارایی‌ها) و رشد (نسبت ارزش بازار شرکت به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام) برای هر سال و با کنترل مدل بر حسب اثرات صنعت و سال برازش می‌شود. باقیمانده این مدل بیانگر اعتبار غیرعادی اشخاص وابسته خواهد بود. در این راستا اگر مقدار اعتبار غیرعادی اشخاص وابسته بیش از صفر باشد، نشان دهنده انجام بهره برداری فرصت‌طلبانه از منابع شرکت خواهد بود. به همین ترتیب نیز، فروش غیرعادی به اشخاص وابسته با بکارگیری نسبت فروش اشخاص وابسته (نسبت فروش به اشخاص وابسته بر کل فروش) و متغیرهای کنترلی مذکور برازش می‌شود، اگر مقدار فروش به اشخاص وابسته بیش از صفر باشد مجدداً نشان دهنده انجام بهره برداری از معاملات با

خواهد شد (عرب صالحی و هاشمی، ۱۳۹۴؛ بولو و حسنی القار، ۱۳۹۴).

### ۳) خودشیفتگی مدیران (NARC)

از نسبت پاداش مدیران به کل حقوق و دستمزد کارکنان اندازه گیری می شود.

همچنین در این پژوهش متغیرهای زیر به عنوان متغیرهای کنترلی تحقیق انتخاب شدند:

SIZE (اندازه شرکت): لگاریتم طبیعی ارزش داراییها  
ROA (بازده داراییها): سود خالص تقسیم بر کل داراییها  
IO (مالکیت نهادی): برای محاسبه میزان مالکیت نهادی مجموع سهام در اختیار بانک ها و بیمه ها، هلدینگ، شرکت های سرمایه گذاری، صندوق های سرمایه گذاری، سازمان ها و نهادهای دولتی و شرکت های دولتی بر کل سهام منتشره شرکت، تقسیم شده و درصد یا میزان مالکیت نهادی به دست می آید (روبین، ۲۰۰۷: ۲۲۵).

AUDIT (نوع حسابرس): اگر حسابرسان گروه الف معتمد بورس اوراق بهادار باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر

IND (استقلال هیات مدیره): درصد مدیران غیر موظف هیات مدیره

DIVERSITY (تنوع جنسیتی هیات مدیره): حضور زنان در هیات مدیره عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر

EXPERT (تخصص مالی کمیته حسابرسی): درصد

افراد دارای تحصیلات مالی در کمیته حسابرسی در این تحقیق برای آزمون فرضیه ها از روش رگرسیون استفاده خواهد شد. با توجه به اینکه برای متغیر معاملات غیرعادی با اشخاص وابسته دومعیار در نظر گرفته شده است بنابراین هر فرضیه دوبار مورد آزمون قرار گرفته و ۶ مدل رگرسیونی برازش شده است.

بازاریابی سال جاری،  $MKTG_{it-1}$ : هزینه های بازاریابی سال قبل،  $R\&D_{it}$ : هزینه های تحقیق و توسعه سال جاری و  $R\&D_{it-1}$ : هزینه های تحقیق و توسعه سال قبل. برآورد مقادیر بازده دارایی ها، هزینه بازاریابی و هزینه تحقیق و توسعه با استفاده از الگوهای فوق انجام می گیرد و مقادیر پیش بینی شده حاصل از این سه الگو، شرکت ها در دو گروه اصلی تقسیم بندی می شود. از انجایی که اندازه گیری متغیرهای کوتاه بینی مدیریتی بصورت کیفی است بنابراین شرکت هایی که دارای ویژگی های کوتاه بینی مدیریتی هستند عدد یک و در غیر اینصورت عدد صفر تعلق می گیرد (دیدار، منصورفر و کفعمی، ۱۳۹۷: ۴۱۴).

### ۲) بیش اطمینانی مدیران (OVERCON)

بیانگر اطمینان بیش از حد مدیریتی شرکت  $i$  در سال  $t$  است. با توجه به اینکه تصمیم های سرمایه گذاری شرکت، حاوی اطلاعاتی درباره میزان اطمینان بیش از حد مدیریتی است، در این پژوهش مطابق با پژوهش احمد و دویلمن<sup>۳۳</sup> (۲۰۱۳: ۵) برای اندازه گیری اطمینان بیش از حد مدیریتی (overcon) از معیار  $over\ Inv$  (مازاد سرمایه گذاری) استفاده شده است. بدن منظور ابتدا مدل رگرسیونی بطور مقطعی برآورد می شود و پس از آن در هر سال باقی مانده محاسبه شده خواهد شد. چنانچه باقی مانده مدل برای شرکتی بزرگتر از صفر باشد به این معناست که در آن شرکت بیش از حد سرمایه گذاری شده است.

$$Asset \times GR_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 SALE \times GR_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

$Asset \times GR_{i,t}$ : رشد دارایی های شرکت  $i$  در سال  $t$  است که از تفاوت میزان تغییرات دارایی ها نسبت به سال گذشته شرکت محاسبه می شود.

$Sale \times GR_{i,t}$ : رشد فروش شرکت  $i$  در سال  $t$  است که از تفاوت میزان تغییرات فروش نسبت به سال گذشته شرکت محاسبه می شود.

این متغیر اگر باقی مانده مدل بزرگتر از صفر باشد برابر با یک، و در غیر اینصورت صفر در نظر گرفته

مدل (۱)

$$ABN - CREDIT_{i,T} = \beta_0 + \beta_1 NARC_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 ROA_{it} + \beta_4 IO_{it} + \beta_5 AUDIT_{it} + \beta_6 IND_{it} + \beta_7 DIVERSITY_{it} + \beta_8 EXPERT_{it} + \varepsilon$$

مدل (۲)

$$ABN - SALES_{i,T} = \beta_0 + \beta_1 NARC_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 ROA_{it} + \beta_4 IO_{it} + \beta_5 AUDIT_{it} + \beta_6 IND_{it} + \beta_7 DIVERSITY_{it} + \beta_8 EXPERT_{it} + \varepsilon$$

مدل (۳)

$$ABN - CREDIT_{i,T} = \beta_0 + \beta_1 OVVERCON_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 ROA_{it} + \beta_4 IO_{it} + \beta_5 AUDIT_{it} + \beta_6 IND_{it} + \beta_7 DIVERSITY_{it} + \beta_8 EXPERT_{it} + \varepsilon$$

مدل (۴)

$$ABN - SALES_{i,T} = \beta_0 + \beta_1 OVVERCON_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 ROA_{it} + \beta_4 IO_{it} + \beta_5 AUDIT_{it} + \beta_6 IND_{it} + \beta_7 DIVERSITY_{it} + \beta_8 EXPERT_{it} + \varepsilon$$

مدل (۵)

$$ABN - CREDIT_{i,T} = \beta_0 + \beta_1 SHNO_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 ROA_{it} + \beta_4 IO_{it} + \beta_5 AUDIT_{it} + \beta_6 IND_{it} + \beta_7 DIVERSITY_{it} + \beta_8 EXPERT_{it} + \varepsilon$$

مدل (۶)

$$ABN - SALES_{i,T} = \beta_0 + \beta_1 SHNO_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 ROA_{it} + \beta_4 IO_{it} + \beta_5 AUDIT_{it} + \beta_6 IND_{it} + \beta_7 DIVERSITY_{it} + \beta_8 EXPERT_{it} + \varepsilon$$

آوری داده و مرتب کردن آنها در Excel جهت آزمون فرضیه‌ها از نرم‌افزار spss و نرم‌افزار ۱۰ Eviews استفاده خواهد شد.

#### یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول ۳ ارائه شده است. این یافته‌ها مربوط به ۱۴۶ شرکت نمونه طی دوره زمانی ۷ ساله (۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸) می‌باشد.

به منظور تحلیل داده‌های بدست آمده از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی استفاده می‌گردد. مانند آزمون جازک برا، آزمون والد ریچ، اف لیمر و هاسمن استفاده خواهد گردید. بدین ترتیب که برای توصیف داده‌ها (آمار توصیفی) از جدول توزیع فراوانی و در سطح آمار استنباطی و ارتباط و همبستگی و تعیین رابطه و تاثیر متغیرهای تحقیق بر هم و همچنین برای آزمون (رد یا پذیرش فرضیه‌های پژوهش) از آزمون رگرسیون چندگانه استفاده می‌شود. به این منظور پس از جمع-

جدول ۳: نتایج آمار توصیفی متغیرهای کمی

نام متغیر	نماد	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشدگی	میانه	بیشینه	کمینه
خودشیفتگی مدیران	NARC	۰,۰۳۰۷	۰,۰۱۷۹	۰,۸۷۸۱	۱,۸۶۳۳	۰,۰۱۹۶	۰,۰۶۵۲	۰,۰۰۱۷
اندازه شرکت	SIZE	۱۴,۶۹۰۵	۱,۵۹۰۵	۰,۸۸۶۵	۳,۸۹۲۶	۱۴,۴۰۹۱	۲۰,۱۸۳۳	۱۱,۱۶۱۵
بازده دارایی‌ها	ROA	۰,۱۳۴۵	۰,۱۴۸۶	۰,۶۰۲۹	۴,۰۲۷۱	۰,۱۱۳۳	۰,۷۰۸۹	-۰,۴۰۴۴
مالکیت نهادی	IO	۰,۶۹۷۵	۰,۱۸۶۷	-۱,۰۴۳۷	۳,۷۳۹	۰,۷۳۹	۰,۹۹۹۹	۰,۰۹۰۶
استقلال هیات مدیره	IND	۰,۶۵۷	۰,۱۸۲۹	-۰,۰۴۸	۲,۶۳۷۹	۰,۶۰۰	۱,۰۰۰	۰,۲۰۰
تخصص مالی کمیته حسابرسی	EXPERT	۰,۲۸۰۸	۰,۲۷۸۶	۰,۳۰۲۲	۱,۴۹۶۴	۰,۳۳۳۳	۰,۶۶۶۶	۰,۰۰۰

جدول (۴) نتایج آمار توصیفی متغیرهای کیفی

متغیر	توضیحات	تعداد	درصد
	۰	۲۰۱	۱۹.۶۷
نوع حسابرس	۱	۸۲۱	۸۰.۳۳
	جمع	۱۰۲۲	۱۰۰
تنوع جنسیتی	۰	۹۸۰	۹۵.۸۹
هیئت مدیره	۱	۴۲	۴.۱۱
	جمع	۱۰۲۲	۱۰۰
اعتبار خالص غیرعادی	۰	۴۴۹	۴۳.۹۳
	۱	۵۷۳	۵۶.۰۷
	جمع	۱۰۲۲	۱۰۰
فروش خالص غیرعادی	۰	۴۹۶	۴۸.۵۳
	۱	۵۲۶	۵۱.۴۷
	جمع	۱۰۲۲	۱۰۰
کوتاه بینی مدیران	۰	۵۱۱	۵۰
	۱	۵۱۱	۵۰
	جمع	۱۰۲۲	۱۰۰

شرکت ها دارای اعتبار خالص غیرعادی و تعداد ۵۲۶ شرکت سال یعنی ۵۱.۴۷ درصد شرکت ها دارای فروش خالص غیرعادی هستند. در نهایت از بین مشاهدات تعداد ۵۱۱ شرکت سال یعنی ۵۰ درصد شرکت ها دارای کوتاه بینی مدیران هستند. جدول ۵ نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۵ حاکی از این است که متغیر خودشیفتگی مدیران دارای سطح معنی داری کمتر از ۵ درصد است و ضریب آن عددی منفی است. بنابراین خودشیفتگی مدیران بر اعتبار خالص غیرعادی تاثیر ۱۶۵/۳۱۹۲ دارد و فرضیه اول در سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد پذیرش قرار می‌گیرد. ضریب مک فادن برابر با ۶۴ درصد می‌باشد که نشان می‌دهد متغیرهای مستقل و کنترلی موجود در مدل توانسته‌اند ۶۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند. آماره LR برابر با ۱۶۵/۳۱۹۲ و سطح معناداری آن کمتر از ۱ درصد می‌باشد. از این رو می‌توان گفت که مدل برازش شده از اعتبار کافی برخوردار است. نتایج نشان می‌دهد که متغیر خودشیفتگی مدیران بر فروش خالص غیرعادی تاثیر معکوس دارد و فرضیه دوم در سطح اطمینان ۹۹ درصد مورد پذیرش قرار می‌گیرد. همچنین متغیر بیش اطمینانی مدیران بر اعتبار خالص غیرعادی تاثیر مستقیم دارد و فرضیه سوم در سطح اطمینان ۹۹ درصد مورد پذیرش قرار می‌گیرد و این متغیر بر فروش خالص غیرعادی تاثیر مستقیم دارد و فرضیه چهارم در سطح اطمینان ۹۹ درصد مورد پذیرش قرار می‌گیرد. بعلاوه متغیر کوتاه بینی مدیران بر اعتبار خالص غیرعادی تاثیر مستقیم دارد و فرضیه پنجم در سطح اطمینان ۹۹ درصد مورد پذیرش قرار می‌گیرد و این متغیر بر فروش خالص غیرعادی تاثیر مستقیم دارد و فرضیه ششم در سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد پذیرش قرار می‌گیرد. یکی از معیارهای نیکویی برازش که صرفاً برای مدل‌های لاجیت و پرابیت کاربرد دارد، درصد

پارامترهای پراکندگی، معیاری برای تعیین میزان پراکندگی از یکدیگر یا میزان پراکندگی آن‌ها نسبت به میانگین است. انحراف معیار از مهم‌ترین پارامترهای پراکندگی است. انحراف معیار اندازه شرکت برابر با ۱،۵۹۰۵ و برای خودشیفتگی مدیران برابر است با ۰،۰۱۷۹ می‌باشد که بیشترین و کمترین انحراف معیار متغیرها می‌باشند. بزرگترین مقدار متغیرها مربوط به مالکیت نهادی است که ۰،۹۹۹۹ می‌باشد و بیشترین مقدار میانگین مربوط به بازده دارایی‌ها است که برابر با ۰،۱۳۴۵ می‌باشد. همچنین جدول ۴ آمارهای توصیفی متغیر کیفی را نشان می‌دهد.

بر اساس جدول ۴، تعدا کل مشاهدات ۱۰۲۲ می‌باشد که از بین آنها تعداد ۸۲۱ شرکت سال یعنی ۸۰،۳۳ درصد شرکت ها دارای حسابرسان گروه الف معتمد بورس اوراق بهادار هستند. همچنین از بین مشاهدات، تعداد ۴۲ شرکت سال یعنی ۴،۱۱ درصد شرکت ها دارای تنوع جنسیتی هیات مدیره هستند. بعلاوه تعداد ۵۷۳ شرکت سال یعنی ۵۶،۰۷ درصد

جدول ۵: نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

متغیر	نماد	فرضیه اول	فرضیه دوم	فرضیه سوم	فرضیه چهارم	فرضیه پنجم	فرضیه ششم
خودشیفتگی مدیران	NARC	-۹/۰۴۲**	-۰/۴۵۱***				
بیش اطمینانی مدیران	OVERCON		۰/۱۸۸۷***	۰/۱۵۲***			
کوتاه بینی مدیران	SHNO				۰/۲۴۵۳***	۰/۲۹۷***	
اندازه شرکت	SIZE	۰/۲۱۲***	۰/۲۶۳۳***	۰/۲۴۱۷***	۰/۲۵۳***	۰/۲۹۶۳***	۰/۳۰۲***
بازده دارایی‌ها	ROA	۶/۴۳۶***	۷/۶۶۵۱***	۶/۳۹۱***	۷/۶۳۵***	۶/۴۸۷۶***	۷/۶۶۷۲***
مالکیت نهادی	IO	-۱/۱۱***	-۱/۳۶۱***	-۱/۰۶۷۷***	-۱/۳۳***	-۱/۰۵۹***	-۱/۳۲۹***
نوع حسابرس	AUDIT	-۰/۰۲۲۶	-۰/۱۴۴۵	-۰/۰۰۲۵	-۰/۱۴۶۳	۰/۰۱۱۱	-۰/۱۳۹۶
استقلال هیات مدیره	IND	-۰/۲۷***	-۰/۰۳۹۶	-۰/۲۹۹***	-۰/۰۶۶۱	-۰/۳۲۸***	-۰/۰۷۹۷
تنوع جنسیتی هیات مدیره	DIVERSITY	-۰/۶۳۲۸*	-۰/۷۷۶۷**	-۰/۶۳۷۱*	-۰/۷۸۴**	-۰/۶۳۰۶*	-۰/۷۸۳۱**
تخصص مالی کمیته حسابرسی	EXPERT	-۰/۰۵۴۶	-۰/۱۵۵۹	-۰/۰۷۵۹	-۰/۱۶۸	-۰/۰۷۶۱	-۰/۱۶۷۷
عرض از مبدا		۰/۵۴۱۸	۰/۴۷۵۹	۰/۲۲۴۴	۰/۲۴۰۱	۰/۴۵۱۹	۰/۳۷۸۲
آماره LR		۱۶۵/۳۱۹	۲۱۹/۱۶۷۲	۱۶۱/۳۰۴۵	۲۱۸/۴۹۱	۱۶۲/۹۱۰۱	۲۱۶/۸۱۳۶
سطح معنی داری (LR (Prob.)		۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰
ضریب مک فادن		۶۴ درصد	۵۷ درصد	۶۴ درصد	۴۹ درصد	۶۷ درصد	۷۰ درصد
درصد صحت پیش بینی مدل		٪۶۷/۷۹	٪۶۷/۴۹	٪۶۷/۴۹	٪۶۹/۹۶	٪۶۸/۵۹	٪۶۹/۴۷
آماره آزمون هاسمر لمشو		۱۰/۳۷۹۷	۱۱/۵۰۳۹	۵/۷۳۳۴	۶/۱۷۸۵	۷/۸۳۱	۷/۸۶۳۹
سطح معنی داری		۰/۲۳۹۴	۰/۱۷۴۷	۰/۶۷۷۱	۰/۶۲۷۲	۰/۴۵۰۲	۰/۴۴۶۹
آماره آزمون آندروز		۱۰/۳۸۶۵	۱۵/۵۹۴۲	۸/۰۰۵۷	۱۰/۳۱۶۲	۹/۷۳۵۵	۱۰/۷۳۴۲
سطح معنی داری		۰/۴۰۷۳	۰/۱۱۱۹	۰/۶۲۸۳	۰/۴۱۳۲	۰/۴۶۴	۰/۳۷۸۶
		***: معنی داری در سطح ٪۹۹	** : معنی داری در سطح ٪۹۵	* : معنی داری در سطح ٪۹۰			

منبع: یافته‌های پژوهشگر

صحت پیش‌بینی است. این درصد برای تمام مدل‌ها در سطح مطلوب می‌باشد. یکی دیگر از معیارهای نیکویی برازش آزمون هاسمر لمشو و آندروز می‌باشد. چنانچه در این آزمون‌ها سطح معناداری بیشتر از ۵ درصد باشد بیانگر برازش مطلوب مدل رگرسیونی است در غیر این صورت مدل برازش شده از اعتبار کافی برخوردار نخواهد بود. نتایج این آزمون‌ها مندرج در جدول ۵ نشان دهنده برازش مطلوب مدل می‌باشد.

### بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به اثرگذاری سوگیری‌های رفتاری مدیران بر تصمیمات درون سازمانی، پژوهش در حوزه

پیامدهای سوگیری‌های رفتاری مدیران برای شناخت و درک بهتر تاثیر ابعاد رفتاری بر کیفیت تصمیم‌گیری سازمانی اهمیت و ضرورت دارد. این پژوهش به بررسی تاثیر سوگیری رفتاری مدیران بر معاملات غیرعادی با اشخاص وابسته شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌پردازد. برای رفتار سوگیرانه مدیران، از خودشیفتگی، کوتاه بینی و بیش اطمینانی مدیران استفاده شد و برای سنجش معاملات غیرعادی با اشخاص وابسته، از اعتبار خالص غیرعادی و فروش خالص غیرعادی استفاده گردید. با توجه به نتایج به دست آمده از فرضیه اول و دوم این پژوهش، مشخص شد که بین خودشیفتگی مدیران با اعتبار

موجودشان سازگار است، وزن بیشتری می‌دهند. آنها به اخباری که از دیدگاه خودشان درست می‌باشد، بدون توجه به موثق بودن منبع، اطمینان می‌کنند و بر اساس آن، به نتیجه گیری‌های با اطمینان دست می‌زنند و اطمینان بیش از حد مدیران و نگرش مثبت آنها به آینده، موجب فروش غیرعادی با اشخاص وابسته می‌شود. نتیجه آزمون این دو فرضیه با پژوهش برهان و همکاران (۲۰۱۹) مرتبط است.

یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه‌های پنجم و ششم نشان داد، کوتاه بینی مدیران بر اعطای اعتبار غیرعادی و فروش خالص غیرعادی به اشخاص وابسته تاثیر مثبت و معناداری دارد. کوتاه بینی مدیران به عنوان شکلی از تعصب و سوگیری است که تصمیم‌های سرمایه گذاری را تحت تاثیر قرار می‌دهد. کوتاه بینی مدیریت می‌تواند اشکال مختلفی داشته و با توجه به شرایط و موقعیت‌های مختلف ایجاد شود. این پدیده می‌تواند در یک سرمایه‌گذاری کمتر از واقع در دارایی‌های بلندمدت، ارائه سرمایه‌گذاری بیشتر از واقع در دارایی کوتاه مدت و یا انتخاب پروژه‌های خاص جهت انطباق با وضعیت مطلوب بازار تظاهر یابد. اگر مدیران دیدگاه کوتاه بینانه داشته باشند این دیدگاه آنها با جهت گیری بازار که بر بلندمدت تمرکز می‌کند، در تضاد است. شرکت‌هایی که مدیران آنها اقدامات خودخواهانه و ناشی از کوتاه بینی دارند فعالیت‌هایی را مدنظر قرار می‌دهند که شرکت در کوتاه مدت خوب به نظر برسد، اما برای سلامت شرکت در بلندمدت سودمند نیست. با توجه به محیط اقتصادی ایران، شرکتها و مدیران آنها بیشتر بر موفقیت کوتاه مدت متمرکز می‌شود و اکثر مدیران کوتاه بین هستند. مدیران کوتاه بین برای تحقق اهداف کوتاه مدت شرکت و کسب منافع شخصی، اعتبار بیشتری به معاملات با اشخاص وابسته اعطا می‌کنند. همچنین مدیران کوتاه بین با در نظر گرفتن منافع شخصی خود، می‌کوشند تصویر مطلوبی از عملکرد شرکت در کوتاه‌مدت به سهامداران

خالص غیرعادی و فروش خالص غیرعادی رابطه‌ی معکوس و معناداری وجود دارد. در تبیین این دو فرضیه می‌توان گفت که در شرکت‌هایی که از مدیران خودشیفته برخوردار هستند، بدلیل شهرت طلبی و برتری بینی این دسته از مدیران، تمایل به فعالیت و معاملات غیر عادی از طریق اعتبار غیرعادی و فروش خالص غیرعادی کاهش می‌یابد نتیجه آزمون با پژوهش وینفرد، ئوفیتز و جیمز<sup>۲۴</sup> (۲۰۱۶: ۶۷۴) مرتبط بوده ولی با پژوهش برهان و همکاران (۲۰۱۹) مرتبط نیست. نتایج فرضیه سوم و چهارم نشان می‌دهد بین بیش‌اطمینانی مدیران با اعتبار خالص غیرعادی و فروش غیرعادی به اشخاص وابسته رابطه‌ی مستقیم و معناداری وجود دارد. وجود خصیصه بیش‌اعتمادی در مدیران موجب تخمین بیش از حد دانش و توانایی آنها در ایجاد بازده و جریان‌های نقدی آتی و نادیده گرفتن مهارت رقبا می‌شود. این روند می‌تواند بر تصمیم‌گیری آنها در خصوص اعتبار خالص غیرعادی تأثیرگذار باشد. زیرا با توجه شرایط محیط اقتصادی ایران، مدیران بیش اطمینان، تمایل بیشتری به اعتبار خالص غیرعادی دارند. با توجه به اینکه بیش‌اطمینانی موجب می‌شود مدیران از فرصت‌های لازم برای به دست آوردن دانش بیشتر غافل شده و ریسک و خطرهای خود را کم‌ارزش و توانایی‌شان برای کنترل شرایط محیطی و درون سازمانی بیش از حد ارزیابی کنند و گزینه‌های غیرمعارف را برگزینند این مساله منجر می‌شود تا مدیران برای مطلوب جلوه دادن شرکت دنبال راهکار باشند و یکی از راهکارها، معاملات با اشخاص وابسته از طریق اعتبار غیرعادی می‌باشد. بنابراین در شرکت‌هایی که مدیران بیش اطمینانی دارند، میزان معاملات اعتبار خالص غیرعادی افزایش می‌یابد. همچنین مدیران بیش اطمینان، عملکرد، مهارت و توانایی‌های خود را در خوب انجام دادن وظایف، بیش از اندازه برآورد می‌کنند. این گونه افراد هنگام تصمیم‌گیری و قضاوت، به اطلاعات آینده که با باورهای



پژوهش‌های آتی به بررسی تاثیر سوگیری رفتاری مدیران بر معاملات غیرعادی با اشخاص وابسته در مراحل مختلف تصدی مدیرعامل پرداخته شود. همچنین محققین می‌توانند به بررسی تاثیر سایر ویژگیهای رفتاری مدیران نظیر ماکیاولیستی، انعطاف پذیری و ... بر معاملات غیرعادی با اشخاص وابسته بپردازند. بعلاوه پیشنهاد می‌گردد تاثیر سوگیری رفتاری مدیران بر انواع معاملات با اشخاص وابسته در سطح عملیاتی و غیرعملیاتی بررسی گردد.

## References

- Ahmed, A. S., & Duellman, S. (2013). Managerial Overconfidence and accounting Conservatism. *Journal of Accounting Research*, 51(1), 1-30.
- Amiri, E., Khodamipour, A., & Kamyabi, Y. (2019). The Impact of Myopic and Optimistic Management Behaviors on the Transparency of Financial Information. *Applied Research in Financial Reporting*, 7(2), 141-177. (in Persian).
- Anderson, T. W. & Hsiao, C. (1982). Formulation and estimation of dynamic models using panel data. *Journal of econometrics*, 18(1), 47-82.
- Arabsalehi, M., & Hashemi, M. (2015). The Effect of Managerial Overconfidence on Tax Avoidance, *Accounting and Auditing Review*, 22(1), 85-104. (in Persian).
- Barandak, S., jamshidi, N., mohammad panah, L., & amini, M. (2020). The effect of financial factors on Managers Myopia in companies listed on Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting and Management Vision*, 2(17), 63-78. (in Persian).
- Blue, G., & Hasani Alghar, M., (2015). Examining Managerial Overconfidence Effect on Earnings Smoothing in Companies Listed in Tehran Stock Exchange, *Journal of Accounting Knowledge*, 6(21), 33-56. (in Persian).
- Chen, Y., Lin, F., & Yang, S. Y. (2015). Does institutional short-termism matter with managerial myopia?. *Journal of Business Research*, 68: 845-854.
- Didar, H., Mansourfar, G., & Kafami, M. (2019). The impact of corporate governance mechanisms on the tax gap of listed companies in Tehran Stock Exchange. *Accounting and Auditing Review*, 21(4), 409-430. (in Persian).
- Farah Mita, A., & Utama, S. (2015). The Influence of Corporate Governance Mechanism on the Relationship between Related Party Transactions and Earnings Management. *International Research Journal of Business Studies*, 7(1): 1-12.
- Habib, A., Jiang, H., & Zhou, D. (2015). Related party transactions and audit fees: Evidence from

ارائه دهند. بنابراین اقدام به کسب سود از طریق فروش غیرعادی با اشخاص وابسته می‌کنند. نتیجه آزمون این دو فرضیه با پژوهش برهان و همکاران (۲۰۱۹) مرتبط است. بر اساس یافته‌های نتایج به دست آمده این پژوهش، مبنی بر رابطه‌ی مستقیم و معنی‌دار بیش اطمینانی و کوتاه بینی مدیران بر میزان معاملات غیرعادی با اشخاص وابسته، سازمان‌های قانون‌گذار (چون سازمان بورس و اوراق بهادار و سازمان حسابرسی) برای پیشگیری از مخاطرات ناشی از بیش اطمینانی و کوتاه بینی مدیران و کمک به بهبود عملکرد شرکتها و برای اتخاذ تصمیم‌گیری‌های بهینه، می‌توانند با انتشار دستورالعمل‌های مرتبط، شرکت‌های پذیرفته شده را ملزم به ارائه صورت عملکرد مالی فصلی حسابرسی شده کنند. طبق یافته‌های به دست آمده از این پژوهش مبنی بر ارتباط معکوس و معنادار بین خودشیفتگی مدیران با معاملات غیرعادی غیرعادی، به سرمایه‌گذاران و تحلیلگران پیشنهاد می‌شود، سطح عادی معاملات با اشخاص وابسته در چنین شرکت‌هایی را مورد توجه قرار داده و به معاملات عملیاتی با اشخاص وابسته دقت بیشتری داشته باشند. همچنین به اعضای هیات مدیره شرکت‌ها پیشنهاد می‌شود در انتخاب مدیران دقت زیادی داشته باشند. زیرا سوگیری رفتاری مدیران در بلند مدت به ارزش شرکت آسیب می‌رساند و به منافع سرمایه‌گذاران لطمه زیادی وارد می‌کند.

با توجه به نتایج این پژوهش به اعضای کمیته حسابرسی شرکتها پیشنهاد می‌شود به منظورافزایش انعطاف پذیری مالی و جلب نظر سهامداران و اعتباردهندگان، توجه ویژه ای به نگرش‌های کوتاه مدت و اعتماد به نفس کاذب مدیران داشته و با استفاده از ابزارهای کنترلی، بر عملکرد مدیران دقت نظر مناسبی داشته و معاملات مدیران با اشخاص وابسته در سطوح عملیاتی، غیرعملیاتی و غیرعادی را کنترل کنند. به پژوهش گران پیشنهاد می‌گردد جهت

- executive compensation. *The Leadership Quarterly*, 25 (2), 218-231.
- Posen, H. E., Leiblein, M. J., & Chen, J. S. (2018). Toward a behavioral theory of real options: Noisy signals, bias, and learning. *Strategic Management Journal* 39(4): 1112-1138.
- Ridge, J., & White, M. (2014). The influence of managerial myopia on firm strategy. *Management Decision*, 52: 602-623.
- Rubin A(۲۰۰۷). "Ownership Level, Ownership Concentration and Liquidity". *Journal of Financial Markets*. 10 (3), 219-248.
- Sheri, S., & Hamidi, E. (2012). Identifying Motives of Related Party Transactions. *Empirical Research in Accounting*, 2(4), 49-64. (in Persian).
- Srinivasan, R., & N. Ramani. (2019). With Power Comes Responsibility: How Powerful Marketing Departments Can Help Prevent Myopic Management. *Journal of Marketing*, Vol. 83, No. 3, Pp. 108-125.
- Srinivasan, R., & Ramani, N. (2019). With Power Comes Responsibility: How Powerful Marketing Departments Can Help Prevent Myopic Management. *Journal of Marketing*, Vol. 83, No. 3, Pp. 108-125.
- Taghizadeh Khanqah, V., & Badavar Nahandi, Y. (2020). Relationships between Managerial Overconfidence, Internal Financing and Investment Efficiency. *Journal of Accounting Knowledge*, 11(2), 209-238. (in Persian).
- Tehrani, R., & Delshad, A. (2018). Investigation of Managerial Myopia on Future Financial Performance in Companies Listed on Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting and Social Interests*, 8(2), 23-46. (in Persian).
- Vaez, S. A., Anvari, E., & Banafi, M. (2016). the effect of ownership structure on the relationship between related party transactions and investment efficiency. *quarterly financial accounting journal*. 8 (31):101-132. (in Persian).
- Vaghfi, S., Salmanian, M., Manian, F., & Fayaz, A. (2018). The Relation of Related Party Transactions To Disclosure Quality, Earnings Management and Profitability. *Empirical Research in Accounting*, 8(2), 71-94. (in Persian).
- Winifred, H., Neophytes, L., and M.H. James. (2016). Motives for Corporate Cash Holdings: the CEO Optimism Effect. *Review of Quantitative Finance and Accounting*. Vol. 47 No. 3, Pp. 669-732.
- Zadparvar, F. (2017). Fraud and misbehavior of managers in financial reporting: A review of research from a financial perspective. *Journal of horizons Humanities* 1(10). 31-43. (in Persian).
- China. *Journal of International Accounting Research*, 14 (1): 59-83.
- Habib, A., & Mohammadi, A., & Jiang, H., (2017). "Political Connections and Related Party Transactions: Evidence from Indonesia," *The International Journal of Accounting*, Elsevier, vol. 52(1), pages 45-63.
- Hamidian, M., Jannat Makan, H., & Ben Goriz, F. (2018). The impact of kind of attitude executives on Information Asymmetry, Financial Leverage and Firm's Value. *Management accounting and auditing knowledge*, 7 (25), 163-180. (in Persian).
- Healy, P. M. and. Wahlen J. M. (1999). A Review of the Earnings Management. Literature and Its Implications for Standard Setting, *Accounting Horizons*, 13, 365-383.
- Hendratama, T. D., & Barokah, Z. (2020). Related party transactions and firm value: The moderating role of corporate social responsibility reporting. *China Journal of Accounting Research*. 13 (2). 1-14.
- Huang, W., Jiang F., Liu, Z. and Zhang, M. (2011). "Agency cost, top executives' Overconfidence, and Investment-cash Flow Sensitivity- Evidence from Listed Companies in China". *Pacific-Basin Finance Journal*, 19: 261-277.
- Kholbeck, M. J., & Mayhew, B. W. (2004a). Related Party Transactions. *Social Science Research Network*, www.ssrn.com, Working Paper Series.1-40.
- Maskani, M., & Abdoli, M. (2020). Investigating the Effectiveness of Tournament incentive on Relationship between CEO Behavioral Bias with Internal Control Weakness in Companies listed in the Tehran Stock Exchange. *Financial Management Strategy*, 8(2), 135-155. (in Persian).
- Mehrabanpour, M., Jandaghi Ghomi, M., & Mohammadi, M. (2017). Political Connections and Abnormal Transactions by Related Parties, *journal of Value & Behavioral Accounting*, 2(3): 147-168. (in Persian).
- Moradi, J., & Bagheri, H. (2014). A comparative investigation into the Effects of Management Myopia and Earnings Management on Stock Return. *Accounting and Auditing Review*, 21(2), 229-250. (in Persian).
- Moscariello N. (2010). Related Party Transaction: Opportunistic or Efficient Behavior? Evidence from the Italian Listed Company. *International Journal of Disclosure and Governance*. Vol. 9, 2, 126-147
- Myung, G. L., Minjung, K., & Ho, Y. L. (2016). Related Party Transactions and financial statement comparability: evidence from south korea. *Isia-pacific journal of accounting and economics*, 23(2):224-252.
- O'Reilly III, C. A., Doerr, B., Caldwell, D. F., & Chatman, J. A. (2014). Narcissistic CEOs and

- <sup>1</sup> Posen, Leiblein & Chen
- <sup>2</sup> Hendratama & Barokah
- <sup>3</sup> Habib, Muhammadi & Jiang
- <sup>4</sup> Myung, Minjung & Ho
- <sup>5</sup> Habib, Jiang & Zhou
- <sup>6</sup> Farah Mita and Utama
- <sup>7</sup> Chen, Lin & Yang
- <sup>8</sup> Ridge and White
- <sup>9</sup> Huang et al
- <sup>10</sup> Srinivasan & Ramani
- <sup>11</sup> Ahmed, A , Duellamann S
- <sup>12</sup> Healy & Wahlen
- <sup>13</sup> Kohlbeck & Mayhew
- <sup>14</sup> Theodor levitt
- <sup>15</sup> Ridge and White
- <sup>16</sup> Chen et al
- <sup>17</sup> Farah Mita and Utama
- <sup>18</sup> Myung et al
- <sup>19</sup> Habib et al
- <sup>20</sup> Hendratama & Barokah

<sup>۲۱</sup> به دلیل تفاوت در ماهیت و نحوه ارائه صورتهای مالی با شرکتهای دیگر این شرکتهای از جامعه آماری حذف می‌گردند

- <sup>22</sup> Anderson & Hsiao
- <sup>23</sup> Ahmed & Duellamann
- <sup>24</sup> Winifred, Neophytes & James



## Effect of Managers' Behavioral policy on Abnormal Transactions with Affiliates

Nazanin Bashiri Manesh<sup>1</sup> - Zohra Aref Manesh<sup>2</sup> - Mohammad Suri<sup>3</sup>

### Abstract

**Background:** The main role of managers in companies is to make decisions in various areas such as investment, profit sharing policy, transactions with affiliates. One of the factors influencing managers' decision-making approaches is their behavioral policy.

**Objective:** The present study investigates the effect of managers' behavioral bias on abnormal transactions with affiliates.

**Methods:** The statistical population of the study is the companies listed on the Tehran Stock Exchange and using the systematic elimination sampling method, 146 companies were selected as the sample of the research in a period of 7 years between 1392 to 1398. The method used to collect information is a library and the relevant data for measuring variables were collected from the Cadal site and companies' financial statements and in Excel preliminary calculations were performed and then Stata software was used to test the research hypotheses.

**Findings:** The results show that managers' narcissism has a significant inverse effect on abnormal net credit and abnormal net sales. However, managers' overconfidence has a direct and significant effect on abnormal net worth and abnormal net sales. Also, managers' shortsightedness has a direct and significant effect on abnormal net credit and abnormal net sales.

**Conclusion:** Transactions with affiliates allow the exchange of resources, services, or liabilities with individuals such as major shareholders, affiliates, and subsidiaries. Therefore, the behavioral policy of managers affects the use of transactions with affiliates in order to achieve personal goals or promote profitability.

**Keywords:** Managers' narcissism, Managers' overconfidence, Managers' shortsightedness, Abnormal dealings with dependents

---

<sup>1</sup> Assistant Professor, Department of Accounting, Faculty of Management, Economics and Accounting, Payam Noor University, Tehran, Iran. (Corresponding Author) [bashirimanesh@gmail.com](mailto:bashirimanesh@gmail.com)

<sup>2</sup> Assistant Professor, Department of Accounting, Faculty of Management, Economics and Accounting, Yazd University, Yazd, Iran.

<sup>3</sup> Master of Accounting, Faculty of Management, Economics and Accounting, Payam Noor University, Tehran West, Iran.